

متن پرسش

سلام و درود: استاد وقت شما عزیز است ولی بخاطر روشن شدن موضوع مجبورم شرحی دهم
حلال کنین. بنده به لطف خدا حدود چند سالی هست که سیر معرفت النفس رو طی می‌کنم و کتابهای
ده نکته، براهین صدیقین و حرکت جوهری، معاد و حشر رو گذراندم و واقعا از این سیر مطالعاتی بهره
ها برده ام تا اینکه پارسال طی یک تشنج و بیهوش شدن درگیر بیماری تومور مغزی شدم و حدود ۱
ساله بخاطر بیماری از کلاسها و مباحث جاموندم یک بار کتاب عقل ادب خیال و دو بار کتاب جایگاه
جن شیطان رو خوندم خیلی سوالات برام حل شد از ماهیت بد و جنس آتشین جن تا جایگاه جن، از
شیطان و وسوسه هاش تا ملک نبودن و از جنس جن بودن و... ولی مطلبی برام هنوز جانیافتاده این
بیماری بسیار اذیت شدم ولی برکاتی هم برایم داشت استاد وقتی یکباره تشنج کردم یاد مباحث ده
نکته و کتاب خویشتن پنهان افتادم چون به تمامه خودم رو جدا از بدن دیدم، چون پاها دستها زبان و
گوش یکباره از تسلط من خارج شد و فقط میدیدم که انگار حال غریبی بر من وارد می‌شود و بینایی
هم گرفته شد و بیهوش شدم یکی از برکاتش اون لحظه خودم و واقعا فقیر الی الله حس کردم به هیچ
بودن خودم پی بردم به هست بودن خودم به خواست هست مطلق یعنی خدا پی بردم. اون مباحث
خواب و رویا بسیار عالی برایم جا افتاد. استاد من خیلی خیلی کم خواب می‌بینم البته قبلا زیاد خواب
می‌دیدم ولی وقتی مباحث خواب و رویا رو خوندم و متوجه شدم باید نفس به اتحاد برسه دیدگاهم
تغییر کرد و چند سالی هست که خواب کم می‌بینم ولی هر بار خوابی دیدم بیشتر حالت رویای صادقه
داشته و مدتی بعد اتفاق افتاده نمونه قبل بیماری کرونا خواب دیدم کرونا گرفتم و یک سال بعدش
همون شد یا تو این بیماری خواب بستری شدن تو بیمارستان صدوقی و حتی دکتر خانم مغز و
اعصاب که امد معاینه کنه رو دیدم و بعد از بستری در بیمارستان الزهرا مدتی بعد دقیقا همون خواب
برام اتفاق افتاد البته ادمی نیستم که به خودم امورات رو تلقین کنم یا تو قوه وهمیه خودم ایجاد کنم
و باهاش زندگی کنم خوابها بدون انگیزه یا فکر قبلی ایجاد میشن زمانی که کتاب عقل و ادب و خیال
رو میخوندم خیلی کلنجار رفتم که چقدر وهم و خیال در من اثر داشته ولی در مورد خواب چیزی از
وهم و خیال نیافتم بگذریم. چند سال قبل کتاب معراج السعاده رو خواندم و به معایبی در خودم پی
بردم و سعی در اصلاح ان برداشتم و شاید یکی از عللی که باعث شد سمت مباحث معرفت النفس برم
استارتش از همین کتاب زده شد. استاد چندین نوبت از من MRI گرفتن و چند بار سرم و تراشیدم و
قرار بود عمل باز انجام بدن و تومور رو خارج کنن ولی هر دفعه انگار قسمت نبود تا اینکه مرحله اخر
جراح مغز و اعصاب شب قبل عمل امد و گفت این عمل ۲۰ درصد عوارضی مثل فلجی تکلم حافظه و ..

داره و درصدی هم احتمال بدخیم شدن داره و گفت فکرات رو بکن تا یک ساعت دیگه جواب بده و رضایت هم باید بدی من بهم ریختم و جالبه خود دکتر وقتی شرایط روحی من رو دید انگار به دلش انداختن و گفت من جاتو بودم استخاره می‌گرفتم استاد تو اون شرایط یه حالت اضطراری بهم دست داد و با اون حال مریض و سخت وضو گرفتم و به نیت انجام عمل جراحی استخاره کردم سه بار انجام دادم هر سه بد امد رفتم و رضایت شخصی دادم و از بیمارستان ترخیص شدم. پیش هفت تا جراح رفتم همه نظرشون این بود دست به سرت نزار و عمل نکن منم مرتب حالت تشنج و مشکلات خاص این بیماری بودم و بسیار بلا تکلیف. حالت اعضا بدنم طوری بود که تعادل نداشتم و سرگیجه اذیتم می‌کرد و حتی تمام نمازها رو نشسته میخوندم تو ایام فاطمیه متوسل شدم به اهل بیت و خانم خواستم راهی پیش پام بزاره تا اینکه یه روز بعد نماز صبح دارو رو خوردم و خواستم بخابم یکباره فکر زیارت امام رضا (ع) به ذهنم افتاد در صورتی که نه قبلش به مشهد فکر کرده بودم نه خواب دیده بودم با توجه به مخالفت شدید خانواده بخاطر تشنج هام با خانومم راهی مشهد شدم و همه چیز سریع جور شد و یکباره خودم تو حرم دیدم و وقت نماز درها بسته شد و وبا عده ای کنار ضریح بودیم خادم گفت همین جا مهتر و بزار نماز بخون منم وایسادم به نماز و وقتی تموم شد به خود امدم که من چند ماهه نشسته نماز میخوندم و اینجا چی شد یادم رفت و ایستاده انجام دادم اونجا به قلبم الهام شد عنایت حضرت بوده منم ازش خواستم راهی پیش پام بزاره و از این بلا تکلیفی در پیام تا اینکه برگشتیم و یکی از دوستان یه نوبت طب اسلامی در تهران برام گرفته بود و وارد مسیر درمان از این طب شدم و شکر خدا الان بعد از حدود هشت ماه با این نسخه ها که بصورت جامع شامل هم توکل به خدا و امید و توسل به اهل بیت هم عطر درمانی هم ذکر و هم خوراک طیبات هم پرهیزات و .. بود شرایطم بهتر شده و در حال درمان هستم و بهم گفت باید پرهیزات غذایی داشته باشی و صبور چون زمان بره ولی به لطف خدا و اهل بیت درست میشه این مقدمه لازم بود تا بتونم الان مشکل رو بگم. استاد با توجه به بحث وهم و خیال جن شیطان و ... من تو تمام MRI ها که ازم گرفتن یه چیز بسیار ذهنم و درگیر کرده سمت چپ سرم درست محل تومور شکل و نقش یه صورت هست که هم مو هم چشم هم دماغ و دهان داره هر سه زاویه نقش کامل یه صورت زشت داره که نمیدونم صورت ادمیه یا جن و شیطان و از زاویه چهارم دقیقا یه تک چشم که به وضوح شکل چشم مشخصه یه روز تمام عکس ها رو در MRI ها بررسی کردم و از زوایای مختلف عکس ها رو کنار هم چیدم این نقش صورت تو تمام زوایای مختلف سر که عکس گرفته شده دقیقا رو محل تومور دیده میشه با طبیب طب اسلامی صحبت کردم گفت ما درمان رو با توجه به کل انجام میدیم علت بیماری شامل گناه، غذای ناپاک و طیب نبودن غذا، سردیجات، چشم زخم و ... هر چی باشه نسخه جامع میدیم که همزمان بیمار با توبه توکل به خدا، توسل و زیارت اهل بیت پرهیزات غذایی خوراکیهای طیب عقیقه و انگشتر فیروزه یا عقیق و خاصیت عطر ها برای سردی و خشکی مغز و غذاهای مقوی و ورزش میریم جلو و اگر چشم زخم هم باشه با تدابیر جامع بودن نسخه به امید خدا حل میشه از زمانی که کتاب معراج زندگی من رو تغییر داد خیلی

رو چشم پاک بودن حساس بودم و خیلی مراقبت می‌کردم ولی از قبل بیماری احساس کردم داره از کنترل خارج میشه و میل به نگاه نامحرم داره. استاد خیلی تلاش می‌کنم کنترل کنم ولی انگار سر دعوا داره البته قبل این مشکل چشم چندین سال مراقبت کردم احساس کردم از ناحیه چشم خیالم راحت شده ولی انگار فرییم داده حتی تلوزیون هم زیاد نگاه نمی‌کنم سعی می‌کنم نگاهم یا رو به زمین یا رو به آسمان باشه الانم خیلی در تلاشم این چشم و کنترل کنم که هر روز تیرهای ذهر الود ابلیس نفس ضعیف من و تحریک نکنه رو قلبم و کدر نکنه. استاد من آدم خیالاتی یا وهمی نیستم میخام عقلانی متوجه بشم با توجه به مطالعه کتاب جن و شیطان بازم گیرم. ۱. آیا امکان داره جن با توجه به ماهیت جنسش که با ما فرق داره بتونه اصلا داخل بدن کسی بره یا این نقش صورت جن باشه. ۲. با توجه به این که شیطان قدرت وسوسه داره ایا باز هم میتونه در بدن نفوذ کنه؟ جایی دیدم در سوالات که امکان داره در زبان شخص و کلامش نفوذ کنه ایا این نقش امکان داره شیطان باشه؟ ۳. هر کاری مطلبی حرفی میخوام بزنم انگار دو نفر تو مغزم نشستن یکی میگه مثلا این کلام بد رو نگو گناهه از اون ور اون یکی میگه انجام بده خوب طبق مباحث مشخصه الهام اول ملک هست و نفس مطمئنه و الهام دوم وسوسه شیطان هست برای تحریک نفس اماره خوب ایا این الهامات از درون نفس انجام میشه یا از خارج از بدن؟ ۴. امکان داره این نقش چشم صورت خیالی یا برزخی خودم باشه بخاطر مشکل چشم که خودم دارم از خودم کتک می‌خورم و نشون میده استاد این نقش صورت اینقدر ذهنم رو مشغول کرده که خواستم حضوری پیام پیشتون ولی هر بار دیدم دورتون شلوغه بعد نماز صبح هم قبلا امدم دیدم بازن چند نفری منتظرن بعد نماز یا استخاره یا مطلبی رو با شما در میان بزارن روم نمی‌شد تو جمع بهتون بگم استاد من توکل کردم به خدا و توسل کردم به امام زمان (عج) و تلاش می‌کنم مسیر رو درست برم شدیداً مقید به نماز اول وقت هستم لقمه و حروم حلال رو حواسم و جمع می‌کنم احترام پدر مادر رو نگه می‌دارم تو تربیت فرزندان حساسم هر هفته سه شنبه ها جلسه استغاثه به امام عصر و ۵ شنبه ها دعا کمیل در گلستان شهدا رو مقیدم و نماز شب هم میخونم و هر وقت نخوندم همان روز قضا می‌کنم خوراک مقوی و پاک می‌خورم تا وهم خیال نباشه ولی انگار نیست انگار مشکل دیگری درمیانہ چی بگم نمیدونم امتحان الهی هست ایا این چند سال معرفت نفس و باید نزد خدا ازمون بدم گاهی پیش خودم میگم نکنه نقش چشم تو عکس ها همان چشم ناپاک خودمه یا نقش چهره همون صورت درونی خودمه خدا داره بهم نشون میده دوباره گاهی میگم نکنه جن در من نفوذ کرده استاد حتی تو جلسات دعا و نماز شب هم ول کن نیست جنبه منفی رو جلوه میده می‌ترسم این مشکل فکرم رو هم الوده کنه تلاش می‌کنم خدا عنایتی کنه از این مشکل رها بشم نمیدونم این چه شرایطی هست بسیار برام غریب و سخت شده نمیخوام ناامید بشم جنگ با نفس جهاد اکبره ولی حریف قدره کتک می‌خورم از شما تقاضه دارم برابم دعا کنین نفس شما حق است و راهنمایی جامعی بفرمایید چکار کنم مجبور بودم شرح بدم. ببخشید طولانی شد بلاخره ادم دکترم میره باید شرح حال کامل بده پیدا کردن راه حل بیماری منم گفتم این مشکل متخصص روح میخاد گفتم

چه کسی بهتر از استاد امیدوارم با نفس پاک و مطهرتون هم جواب سوالات هم نظرتون رو بگین و راهنمایی کنین لطفا در جیمیل پاسخ بدین دوستان سوال و ببینن شاید شبهه بشه درد و دلی بود که خیلی وقت بود می‌خواستم بتون بگم دنبال حضوری امدن بودم ولی اطرافیانتون روم نشد و نشد بیام

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با توجه به این‌که به هر حال کید شیطان ضعیف است؛ اگر در همه امور، شخصیتی مانند مقام معظم رهبری را و یا شخصی را که از نظر عزم و اراده محکم و جدّی می‌شناسید، مدّ نظر قرار دهید و در هر حال هرگاه احساس ضعف و یا مشکل کردید، با عزم او راه را ادامه دهید؛ ان شاءالله مشکلات رفع می‌شود. موفق باشید